

هویت فرهنگی فرقه اهل حق (مطالعه موردی شهر صحنه)

رضا حقیقی*

چکیده

مقاله حاضر حاصل پژوهشی میدانی است که در شهر صحنه (استان کرمانشاه) به منظور بررسی هویت فرهنگی فرقه‌ی "اهل حق" صورت گرفته است. هدف از این بررسی، کنکاش در لایه‌های شکل‌گیری هویت فرهنگی این فرقه‌ی مذهبی بوده است. رویکرد روش شناختی در این مطالعه رویکردی مردم‌شناختی است، به این معنی که با استفاده از روش‌های کیفی و ژرفایی، جمع‌آوری اطلاعات و با نگرشی از درون سعی گردیده تا لایه‌های هویت فرهنگی فرقه‌ی اهل حق مورد مطالعه و میزان و کیفیت آنها مورد ارزیابی قرار گیرد. نتایج به‌دست آمده از این پژوهش نشان می‌دهد غالب و شخصیت بنیادین جامعه مورد مطالعه، تحت تأثیر عناصر و ویژگی‌های مذهبی شکل گرفته است، به طوری که مذهب در تمام شئون و زندگی روزمره افراد این فرقه جایگاه ویژه‌ای دارد و معمولاً افراد با ویژگی‌های مذهبی فرقه‌ی خود شناخته می‌شوند. اما به طور کلی، هویت فرهنگی پیروان فرقه‌ی اهل حق به ترتیب از هویت مذهبی، ملی و قومی تشکیل یافته است.

کلیدواژه‌ها: فرقه اهل حق، هویت فرهنگی، فرهنگ و شخصیت، هویت مذهبی، هویت قومی، هویت ملی، شخصیت بنیادین.

مقدمه و طرح مسئله

سرزمین ایران به علت قرار گرفتن در جنوب غربی آسیا همواره در طول تاریخ رابط بین شرق و غرب بوده و ملل مغرب زمین را به ملل مشرق زمین مرتبط می‌ساخته و محل مراودات، ارتباطات و مهاجرت‌ها در طول تاریخ بوده است. در حال حاضر ترکیب قومی و مذهبی کشور نیز گویای این واقعیت است که سرزمین ایران از اقوام و گروه‌های مذهبی مختلفی تشکیل شده است که دارای یک‌سری ویژگی‌ها، ارزش‌ها، آداب و رسوم، عقاید و خصوصیات یگانه و منحصر به فردی هستند که نه تنها قابل جمع با دیگر گروه‌های قومی - مذهبی و فرهنگ ملی و عمومی کشور نیست بلکه در مقابل آن نیز مقاومت می‌کنند و هر یک به تنهایی فرهنگ‌های ویژه و تقریباً مستقلی را تشکیل می‌دهند. یکی از این فرهنگ‌ها، گروه قومی - مذهبی اهل حق می‌باشد که عمدتاً در غرب ایران زندگی می‌کنند و شهر صحنه نیز یکی از مناطقی است که تعداد زیادی از پیروان این گروه در آن ساکنند. موضوع تحقیق در این پژوهش مسئله‌ی هویت فرهنگی این گروه می‌باشد. هویت گروهی و جمعی هر جامعه‌ای تحت تأثیر دلبستگی اعضای آن گروه به شاخص‌های فرهنگی شان شکل می‌گیرد که هر گروه با آن تیپ قابل شناسایی است. صاحب‌نظران فرهنگ و شخصیت معتقدند که فرهنگ باعث شکل‌گیری هویت و کیستی فرد می‌شود. بنابراین، با توجه به این دیدگاه درصدد بررسی میزان تعلق و دلبستگی پیروان این فرقه به هویت قومی، مذهبی و ملی با استفاده از روش ژرفانگر مردم‌نگاری بوده‌ایم.

در خصوص اهمیت و ضرورت این پژوهش قابل ذکر است که بسیاری از تحلیل‌گران و صاحب‌نظران در ارزیابی از وضعیت "هویت ملی و روح جمعی" و "وفاق اجتماعی" در کشور چندان خوشبین نبوده و با استناد به پتانسیل‌هایی که وجود دارد، از آینده ابراز نگرانی می‌کنند. واقعیت امر آن است که هر چند ما در کشورمان از منبع و سرچشمه غنی و جوشانی بنام "هویت ایرانی" برخورداریم که به عنوان یک محور اصلی، تمام آحاد جامعه را گرد هم جمع نموده و بین آنها پیوند برقرار نموده و به آنان وحدت بخشیده است. با وجود این، اگر قدری در بافت جمعیتی، فرهنگی، قومی، مذهبی کشور نگاه کنیم، درمی‌یابیم که در درون این بافت‌های متنوع و پیچیده، پتانسیل‌های تضعیف‌کننده‌ای نیز وجود دارد. نگرانی این تحلیل‌گران هم بی‌مورد نیست چه به علت کثرت و تنوع اقوام، گروه‌ها و مذاهب و تمایزات فرهنگی - اجتماعی جدی که از بعد سازگاری و انطباق هویت این اقوام و گروه‌ها با هویت ملی در نتیجه از دریچه‌ی "اراده با هم زیستن" وضعیت چندان مطلوبی وجود ندارد.

یکی از این گروه‌ها، گروه قومی - مذهبی اهل حق است که دارای یک سری ویژگی‌ها و خصوصیات است که برای بسیاری از مردم ایران ناشناخته باقی مانده است، یا در مواردی توسط بعضی محققان و نویسندگان ایرانی و غیرایرانی به علت تعبیرات غلط و نادرست به عمد یا غیرعمد، سبب گمراهی بسیاری از خوانندگان شده‌اند و بدین‌وسیله مورد تحقیر و اهانت برخی هموطنان خود قرار گرفته‌اند. این امر باعث تضعیف هویت ملی خواهد شد و به کانون‌های بحران در کشور دامن می‌زند. بنابراین، لازم و ضروری است که چنین گروه‌هایی در چارچوب تحقیقات روشمند و علمی مورد بررسی و مطالعه قرار گیرند.

در این تحقیق می‌خواهیم بدانیم میزان و کیفیت تعلق و دلبستگی به هویت‌های قومی، مذهبی و ملی در نزد پیروان این گروه به چه صورت است و به کدامیک احساس تعلق بیشتری می‌کنند. در واقع کدامیک از عناصر و شاخصه‌ها به عنوان ملاک تمایز از سایر گروه‌های قومی - مذهبی دیگر مورد تأکید بیشتر قرار می‌گیرد و باعث شناسایی آنها از دیگران می‌شود.

سوالات تحقیق

پرسش‌های اساسی این پژوهش در بررسی هویت فرهنگی فرقه‌ی اهل حق به ترتیب زیر بوده است:

- 1- میزان و کیفیت گرایش و تعلق پیروان این فرقه نسبت به قوم و مظاهر قومی (هویت قومی) خود چگونه است؟
- 2- میزان و کیفیت گرایش و دلبستگی پیروان این فرقه به اعتقادات و آداب و رسوم مذهبی (هویت مذهبی) خود چگونه است؟
- 3- میزان و کیفیت گرایش و تعلق این فرقه به فرهنگ و نمادهای ملی (هویت ملی) چگونه است؟
- 4- پیروان این فرقه بر کدامیک از هویت‌ها تأکید بیشتری دارند و آنها را ملاک تمایز خود از سایر گروه‌ها می‌دانند؟

رویکرد روش شناختی

روش میدانی ژرفانگر در واقع روش عمده و اساسی این تحقیق می‌باشد و دستاوردها و عمده نتایج این تحقیق بر پایه این روش قرار دارند. محقق در عملیات میدانی انسان‌شناختی باید صحبت کردن با زبان، فکر کردن، دیدن، حس کردن آن مردم را یاد بگیرد و بعضی مواقع مانند اعضای جامعه مورد مطالعه عمل کند و همچنین سعی کند انسان‌شناس حرفه‌ای که متعلق به فرهنگی دیگر است باقی بماند. ضمناً برحسب نیاز از روش اسنادی و کتابخانه‌ای نیز استفاده گردیده است. گردآوری داده‌های میدانی نیز غالباً با فنونی از قبیل مشاهده‌ی مستقیم، مشاهده‌ی مشارکتی، مصاحبه‌ی عمیق، پرسشنامه و بررسی اسناد و مدارک محلی صورت گرفته است.

1- مشاهده مشارکتی

در این فن با 15 نفر از اطلاع‌رسان های کلیدی که برای مطالعه ژرفانگر انتخاب شده بود مصاحبه گردید. برای انجام آن سعی شد رابطه‌ای دوستانه با افراد مورد مطالعه برقرار شود و اکثر مصاحبه‌ها در منزل افراد مورد نظر انجام شد. بنابراین، سعی شد تا از فاصله‌ای نزدیک، زندگی و فعالیت‌های روزمره آنان به شکل طبیعی و از دیدگاه خودشان مشاهده و بررسی گردد.

2- پرسشنامه

استفاده از پرسشنامه عموماً در پژوهش‌های پیمایشی مطرح است و ضمناً یکی از فنون مردم‌نگاری نیز محسوب می‌شود، لذا، در بعضی موارد از جمله در بسیاری از موضوع‌های انسان‌شناسی شهری، گاه استفاده از پرسشنامه ضروری است.

در واقع هدف اصلی پرسشنامه‌ی انسان‌شناختی، نه دستیابی به نتایج و تعیین رابطه میان متغیرها، بلکه گردآوری گروه بزرگی از داده‌ها و اطلاعات درباره‌ی میدان تحقیق است (فکوهی، 1383: 449). نمونه‌گیری: از آنجا که گروه مورد مطالعه 30 الی 40 درصد جمعیت شهر صحنه را تشکیل می‌دهند و این جمعیت در تمام شهر پراکنده‌اند، و گردآوری فهرست کاملی از این گروه ناممکن و غیرعملی بود، بنابراین، از "نمونه‌گیری خوشه‌ای" استفاده گردیده است.

بدین ترتیب، با توجه به گفتگوهای انجام شده با مردم صحنه، سه محله اهل حق‌نشین بنام‌های "پاچمن" و "قیطول(بالاجوب)" و "خیابان مولوی" انتخاب گردید، بعد از آن پلاک‌های شهری خانوارها شمارش شده و فهرست گردید سپس، به‌صورت تصادفی نمونه مورد نظر انتخاب گردید.

جدول (1) تعداد پرسشنامه‌های پر شده به تفکیک هر منطقه

منطقه	گزینه	طبقه منزلتی	تعداد پلاک	تعداد پرسشنامه پر شده
1- محله پاچمن	پائین		550	55
2- محله قیطول	متوسط		500	50
3- خیابان مولوی	بالا		400	40

چارچوب نظری

در این پژوهش تلاش شده است نظریاتی که می‌توانند ابعاد تحقیق را بهتر قابل درک و تبیین نماید مطرح و ارائه شود. هر چند که نمی‌توان مدعی یک نظریه واحد و کامل برای درک جامع و مانع ابعاد مسئله گردید، اما با وجود این، با در نظر گرفتن اینکه هر نظریه علمی درصدد شناخت و ارزیابی جنبه یا جنبه‌های خاصی از تحقیق است، از این رو ضروری است ضمن جمع‌آوری و انتخاب مجموعه‌ای از نظریات ارائه شده و مرتبط با آن، به درک درست و نسبتاً جامعی از ابعاد موضوع مورد بررسی دست یافت.

1- هویت فرهنگی

هر چند تعریف چندان مستقل و جامعی از "هویت فرهنگی" در بین صاحب‌نظران وجود ندارد ولی معمولاً تعریفی از فرهنگ و تعریفی از هویت را تلفیق کرده یا کنار هم می‌گذارند و از آن تعریف هویت فرهنگی را استخراج می‌کنند، در حالی که این تعریف چندان علمی به نظر نمی‌رسد. برخی معتقدند آن بخش از ویژگی‌های فرهنگی یک جامعه، که آن را از جوامع دیگر متمایز می‌کند هویت فرهنگی آن جامعه است و

معمولاً هر جامعه‌ای می‌کوشد این هویت فرهنگی را زنده نگه دارد. از آنجا که عناصر تشکیل‌دهنده فرهنگ و شاخصه‌های آن، به هم پیوسته و به هم پیچیده‌اند و به آسانی نمی‌توان بخشی از آنها را جدا کرد، می‌توان گفت هر جامعه‌ای هویت فرهنگی خاص خود را دارد و اشتراکات فرهنگی آن با سایر جوامع، فقط در برخی از اجزاء و عناصری که از بستر اصلی و نظام‌مندی خود جدا شده‌اند، می‌باشد. بنابراین، هویت‌های فرهنگی جوامع مختلف نمی‌تواند در هم متداخل شود، بلکه جوامع مختلف اشتراکات فرهنگی دارند ولی هر جامعه‌ای هویت فرهنگی خاص خود را دارد (روح الامینی، 1379: 111). به نظر آنتادیوپ، انسان‌شناس سنگالی، هویت فرهنگی یک جامعه به سه عامل تاریخی، زبانی و روان‌شناختی بستگی دارد و اگر یکی از این سه عامل وجود نداشته باشد یا از بین برود هویت فرهنگی ناقص می‌شود. وی تلفیق موزون این عوامل را یک وضعیت ایده‌آل می‌داند (آنتادیوپ، 1361: 5). انسان دارای هویت‌های مختلفی است که هویت فردی، اجتماعی، ملی، مذهبی، قومی و... از آن جمله‌اند، اما هویت فرهنگی، تمام اینهاست و هیچ‌کدام از اینها نیست. هویت فرهنگی مشرف بر تمام هویت‌هاست که هم از تمام آنها شکل گرفته و هم تمام آنها را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. حتی دین که یک امر وحیانی و آسمانی است وقتی وارد جوامع انسانی می‌شود، ضمن ایجاد تغییرات اساسی، رنگ و لعاب فرهنگی آن جوامع را به خود می‌گیرد. عصاره‌ی هویت‌های مختلف افراد را در مقیاس جمعی، به علاوه، آموزش، جامعه‌پذیری و آداب و رسوم آنان، هویت فرهنگی را شکل می‌دهد که در ساحت فردی و هم در ساحت‌های سیاسی - اجتماعی بروز و ظهور پیدا می‌کند. بر این اساس هویت فرهنگی عبارت است از: "مجموعه ویژگی‌های پایدار تشکیل‌دهنده خلق و خوی افراد که در تمام نگرش‌های انسان (اعم از دینی، ملی، قومی، آداب و رسوم و...) ریشه دارد و در تمام ساحت‌های زندگی انسان به طور مستقیم یا غیرمستقیم ظهور و بروز پیدا می‌کند" (علیخانی، 1383: 101). شکل‌گیری هویت فرهنگی برای اقلیت، پیچیده است. این اقلیت‌ها ممکن است اقلیت قومی یا نژادی یا مذهبی باشند. به طوریکه در جامعه‌ای که در آن فرهنگ حاکم با مذهب و فرهنگ فرد متفاوت، افراد اقلیت نیاز به یکپارچه‌سازی مثبت در زمینه‌ی هویت قومی با یک هویت "خود" مثبت و قوی دارند.

هویت فرهنگی از دانش و احساسات درباره تعلق به یک گروه خاص فرهنگی به دست می‌آید. هویت فرهنگی شامل خودهماندسازی (اینکه آیا من خودم را به عنوان یک فرد با اهل حق توصیف می‌کنم) و چگونه من به گروه فرهنگی احساس تعلق می‌کنم، است و همچنین نگرش مربوط به بخش فرهنگی فرد را در برمی‌گیرد. چنان که فرد می‌گوید: من به اینکه عضوی از گروه فرهنگی خودم باشم افتخار می‌کنم و

همچنین من در اعمال فرهنگی گروهم شرکت می‌کنم و دوستانی دارم که عضو گروه فرهنگی من هستند
(Phinney 1993: 42).

مطالعات انسان‌شناختی مرتبط با مفهوم هویت از لحاظ تاریخی به قبل از ابداع واژه‌ی هویت توسط اریکسون به نظریه فرهنگ و شخصیت به خصوص پژوهش‌های مارگرت مید و روث بندیکت باز می‌گردد (Byron 1997:14). بنابراین، در اینجا نظریه فرهنگ و شخصیت و آراء صاحب‌نظران آن را، مانند روث بندیکت، مارگارت مید، کاردینر و لیتتون که بیشتر در مورد شکل‌گیری هویت فرهنگی است را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم.

2- نظریه فرهنگ و شخصیت:

در رویکرد انسان‌شناختی فرهنگ و شخصیت، فرهنگ به مجموعه‌ای از رفتارها اطلاق می‌شود که در یک جامعه مفروض بین اعضای آن جامعه مشترک است و نتیجه‌ی این رفتارها در مادیت اتفاق می‌افتد، یعنی اشیای ناشی از آنها. بنابراین شاید مهم‌ترین محور رویکردی در این مکتب آن باشد که فرهنگ را نه به صورتی انتزاعی یا حتی مادی، بلکه بیش از هر چیز به صورت "شخصیت" انسانی مورد توجه قرار دهد. انسان‌ها حاملان اصلی فرهنگ هستند و هر پدیده‌ای را تنها در زمانی می‌توان پدیده‌ای "فرهنگی" نامید که در رابطه‌ی انسانی قرار بگیرد. فرهنگ همواره باید از "رسانه" ای بگذرد که "انسان" است و معنایی دریافت کند که معنایی "انسانی" است (فکوهی، 1381: 201).

در مکتب فرهنگ و شخصیت، دلایل و عوامل شکل‌گیری شخصیت در محیط بزرگ‌تر، یعنی جامعه جستجو می‌شوند. به این ترتیب هر جامعه‌ای شکل یا اشکال خاصی از شخصیت را به وجود می‌آورد که وظیفه محقق در اینجا بررسی دلایل این امر و مطالعه‌ی چگونگی این شکل‌گیری و همچنین پژوهش بر پیامدهای به وجود آمدن چنین شخصیت‌هایی است.

روث بندیکت که یکی از نظریه‌پردازان این مکتب است می‌گوید: محدودیت دادن به بعضی الگوها باعث ایجاد نوعی همسانی در بین افراد گروه می‌شود و به آنها یک نوع "هویت فرهنگی" می‌بخشد که به واسطه آن از بقیه گروه‌ها متمایز می‌شوند. بندیکت برای تبیین این ایده‌ی خود با تأکید بر جوامع ابتدایی، تیپولوژی فرهنگی خود را ارائه می‌دهد. ایده "نسبیت" در کانون تحلیل‌های بندیکت قرار

دارد. به اعتقاد وی طبقه‌بندی تیپ‌های فرهنگی جوامع صرفاً به خاطر نشان دادن تمایزات و تشابهات فرهنگی بوده است. به نظر وی اهمیت این تیپولوژی فرهنگی بر این است آنچه را نسبی است مطلق تلقی کنیم و آداب و رسوم و فرهنگ خود را برتر از دیگران ندانیم (محمدی اصل، 1377: 99). به نظر وی میزان اجبار فرهنگ برای عمل در قالب‌های خاص در همه جا به یک اندازه نیست و همچنین همبستگی فرهنگی در نقاط مختلف و در حوزه‌های فرهنگی مختلف مراتب خاص خود را دارا است. بندیکت در کارهای خود به نوعی روش ترکیبی از روان‌شناسی و مردم‌شناسی دست یافت. وی بر آن بود که بتواند کلیات فرهنگ‌ها را در قالب هویت‌های غالب مطالعه کند.

مارگارت مید نیز مانند استاد خود بندیکت در پی آن بود که ثابت کند ویژگی‌های فرهنگی در حوزه فرهنگی به گونه‌ای متفاوت و متمایز به انسان‌ها هویت می‌بخشد. تحقیقات میدانی مید در جزیره ساموآ، آزمون این فرضیه بود؛ "فرایند بلوغ در انسان‌ها نوعی گذار از مراحل ثابت زیست‌شناختی است که بسیار کم تحت تأثیر شرایط فرهنگی است". مید با مطالعاتی که در ساموآ انجام داد ثابت کرد که هویت جنسی هم کاملاً تحت تأثیر هویت فرهنگی است. و با این کشف خود تحول عظیمی ایجاد کرد. به اعتقاد مید تمامی فرایندهای جامعه را باید با توسل به نظام فرهنگی جامعه تبیین کرد.

آبرام کاردینر مفهوم "شخصیت بنیادین" را مطرح می‌کند تا بتواند به مدد آن هویت فرهنگی جوامع را بشناسد. وی این مفهوم را با تجربیات افراد در دوران کودکی نزدیک می‌کند و معتقد است از آنجائیکه تجربه‌های افراد در داخل حوزه‌های فرهنگی تا حدودی مشترک است، بنابراین به مرور زمان افراد در یک قالب هویتی خاص قرار می‌گیرند. وی معتقد است که هر فرهنگی با یک تیپ و انگاره خاص شخصیتی متمایز می‌شود. کاردینر فهرستی از موقعیت‌های کلیدی را که به تشکیل شخصیت اثر می‌گذارند به دست می‌دهد، این فهرست بر اساس مطالعه عمیقی در مورد ده فرهنگ مختلف تهیه شده است و بسیار طولانی است و شامل جنبه‌های مختلف مراقبت‌های مادرانه، انضباط پایگاه‌های واگذار شده و کسب شده، تکنیک‌های تولید، نظام‌های اعتقادی، اعمال دینی، نظام‌های ارزشی و عوامل دیگر می‌باشد (کتبی، 1374: 181).

شخصیت پایه، به باور کاردینر، نوعی مخرج مشترک از جامعه است که خود را در یک شخصیت میانگین منعکس می‌کند و برآوردی از فرهنگ آن جامعه را می‌نمایاند زمانی که از مفاهیمی چون

" خصلت ملی " یا " خصلت قومی " صحبت می‌شود، عمدتاً تصویری در نزد عمومی مردم از چنین شخصیتی داریم. مثلاً شخصیت " آریایی خالص " در رژیم هیتلری (فکوهی، 1381: 210).

شخصیت پایه بر اساس نیازهایی به وجود می‌آید که در رابطه میان انسان و محیط او ایجاد می‌شوند. هر نوع محیطی (چه طبیعی و چه فرهنگی) نیازهایی را ایجاد می‌کند یعنی انسان باید خود را از لحاظ رفتاری و فکری به آن انطباق دهد. در نتیجه محیط‌های یکسان و مشابه شخصیت‌های یکسان و مشابه به وجود می‌آورند (نراقی، 1374: 189 و فکوهی، 1381: 210).

رالف لیتون نیز مانند کاردینر شخصیت بنیادین را مجموعه‌ای از تمایلات، انگیزه‌ها و خصوصیات ویژه تشکیل شده که از طرف گروه بر فرد تحمیل می‌شود، می‌داند. به نظر وی تمایزات فرهنگی را می‌توان با توجه به تنوع الگوهای شخصیتی دریافت. لیتون احساس تعلق و دلبستگی را مبنای شکل‌گیری شخصیت پایه می‌داند.

تحلیل یافته‌ها

در این بخش به سئوالات مطرح شده در بخش سئوالات تحقیق پاسخ داده شده است. بنابراین با توجه به نظریه فرهنگ و شخصیت به دنبال "شخصیت بنیادین و پایه‌ای" پیروان فرقه‌ی اهل حق بوده‌ایم. برای این کار میزان و کیفیت گرایش پیروان این فرقه به مقولات هویت قومی، مذهبی و ملی را مورد مطالعه و بررسی قرار داده‌ایم.

برای تحلیل کمی مقولات هویت قومی، مذهبی و ملی از تکنیک پرسشنامه که از فنون کار مردم‌نگاری می‌باشد، سود برده‌ایم. همچنین برای تحلیل کیفی مقولات هویت قومی، مذهبی، ملی از فنون مشاهده مشارکتی و مصاحبه عمیق استفاده کرده‌ایم. شناخت کیفی گرایش‌های هویتی فرقه‌ی اهل حق نیازمند انجام مصاحبه‌های عمیق بود. مصاحبه با توجه به شاخص‌های اصلی هویت فرهنگی و در چارچوب اهداف پژوهش تدوین شده است. علاقه‌مندی به زبان قومی، ارزیابی از پوشش محلی، پایبندی به آداب و رسوم قومی، نحوه نامگذاری فرزندان، واکنش تدافعی در مقابل توهین به قومیت، علاقه‌مندی به موسیقی محلی محورهای اساسی سنجش کیفیت هویت قومی بوده است. برای ارزیابی کیفی هویت مذهبی از شاخص‌های نحوه بزرگداشت اعیاد مذهبی، پایبندی به انجام فرائض مذهبی،

پایبندی خانواده پاسخگو به آداب و تشریفات دینی، انجام فریضه زیارت، مطالعات مذهبی، پایبندی به ارزش‌های مذهبی، افتخار به مشاهیر و بزرگان مذهبی و غیره استفاده شده است. برای شناخت کیفی هویت ملی از شاخص‌های علاقه‌مندی به آگاهی از تاریخ ملی، احترام به نمادهای ملی، همیاری ملی، واکنش در مقابل شکست‌ها و پیروزی‌های ملی و غیره بهره گرفته‌ایم.

سؤال اول: میزان و کیفیت گرایش و تعلق پیروان فرقه‌ی اهل حق به مظاهر و نمادهای قومی (هویت قومی) خود چگونه است؟

جدول (2) توزیع پاسخگویان بر حسب میزان هویت قومی

گزینه	میزان هویت قومی	فراوانی	درصد
بسیار زیاد	68	38	46/9
متوسط	22	15/1	38
کم			
جمع کل	145	100	

جدول فوق بیانگر میزان هویت قومی مردم اهل حق است. از کل نمونه آماری 46/9 درصد از پاسخگویان دارای احساس شدید قومی هستند. 38 درصد از پاسخگویان تا اندازه‌ای (متوسط) دارای تعلق و دلبستگی قومی هستند و 15/1 درصد از پاسخگویان نیز دارای وابستگی ضعیف قومی هستند. از مجموع درصدهای آماری می‌توان دریافت که پاسخگویان نسبت به فرهنگ قومی خود دلبستگی دارند و آن را شاخص هویتی خود محسوب می‌کنند. نتایج تحلیل محتوای مصاحبه‌ها و مشاهدات محقق نیز نتایج به‌دست آمده از تحلیل نهایی پرسشنامه را تأیید می‌کند. تحلیل موردی مقوله‌های به‌کار رفته در پرسشنامه و مصاحبه نشان می‌دهد که اکثریت مردم نمونه آماری، به شاخص‌های طرح شده برای سنجش هویت قومی دلبستگی دارند. مردم اهل حق به تحصیل زبان، آداب‌ورسوم و موسیقی کردی علاقمند هستند، به قومیت خود "کردبودن" افتخار می‌کنند و علاقمند به مطالعه کتب و نشریات کردی می‌باشند. اما در خصوص مقوله توهین به قومیت اکثریت پاسخگویان اعلام داشته‌اند که حساسیتی نشان

نمی‌دهند، زیرا به نظر آنها این مسئله در مورد تمام قومیت‌ها وجود دارد و حساسیت نسبت به آن، مشکلی را حل نمی‌نماید.

در مورد مقوله به کاررفته که میانگین آن در مقایسه با سایر مقوله‌ها پایین‌تر می‌باشد پوشش روزانه می‌باشد که تقریباً تمام پاسخگویان لباس رسمی کشور را استفاده می‌نمایند، آن‌هم به دلیل در مرز فرهنگی قرار گرفتن و اختلاط قومی و ارتباطات زیاد به خاطر قرار گرفتن در مسیر جاده کربلا است. میانگین مقوله دیگری که نسبت به سایر مقوله‌های سنجش هویت قومی "ضعیف" می‌باشد "نامگذاری فرزندان" است. اکثر پاسخگویان اظهار می‌دارند به دلیل نزدیکی بسیار زیاد اسامی ایرانی و کردی آنها ترجیح می‌دهند از اسامی ایرانی استفاده کنند. در خصوص استفاده نکردن از اسامی مذهبی، پاسخگویان اظهار می‌دارند که، اگر این نوع اسامی بر روی افراد گذاشته شوند ممکن است حرمت آنها از بین برود. ناگفته نماند که روند رو به رشد "نامگذاری فرزندان" با اسامی کردی در چند سال اخیر نشان از احیای مجدد دلبستگی قومی است.

تعدادی از نظرات مصاحبه‌شوندگان درباره مقولات هویت قومی در ذیل آورده می‌شود:

"برای اینکه فرهنگ خود را حفظ کنیم لازم است آموزش و تحصیل ما به این زبان باشد."
 "تحصیل و آموزش با زبان قومی حق مسلم هر قوم می‌باشد و ملت کرد نیز نباید از چنین حقی محروم باشد زیرا زبان کردی قابلیت‌های فراوانی به‌عنوان یک زبان دارد به نظر بنده موقع آن رسیده است که همه جهت حفظ قوم و زبان و فرهنگ قوم خود تلاش نمایند و به‌فراگیری زبان و ادبیات کردی بپردازند."

"به نظر من از آنجا که زبان کردی یک زبان کاملاً مستقل است و خود توانایی‌ها و قابلیت‌های زیادی را دارا است، همچون یک زبان ملی باید در منطقه‌ای که متکلمان به این زبان اکثریت ساکنان را تشکیل می‌دهند، امورات اداری منطقه بدان زبان صورت گیرد که تحصیل در مدرسه نیز از آن جمله است. در ضمن، از آنجا که هر قومی دارای فرهنگ خاص خود است و انسان‌ها تکلم به زبان مادری خود را از جمله حقوق خود می‌پندارند طبیعی است که مردم کرد نیز این حقوق را برای خود محفوظ می‌دارد."

"این مسئله برای من اهمیت چندانی ندارد که با چه زبانی تحصیل کنم، ولی آموزش زبان کردی در حد خواندن و نوشتن مفید است."

" اگر کسی که لطیفه‌های تمسخرآمیز در مورد قومیت من به کار ببرد به هر شکلی چه جنبه‌ی شوخی و چه جدی داشته باشد با شدت با او برخورد می‌کنم".
 " در کنار موسیقی کردی به موسیقی فارسی به خصوص موسیقی سنتی از آثار استاد شجریان و شهرام ناظری و .. گوش می‌دهم".

سؤال دوم: میزان و کیفیت گرایش و تعلق پیروان فرقه‌ی اهل حق به اعتقادات و آداب و رسوم مذهبی (هویت مذهبی) خود چگونه است؟

یکی از عوامل هویت‌ساز در هر حوزه تمدنی دین می‌باشد. دین باعث تقویت حس همبستگی گروه‌های انسان می‌شود و هویت‌های فردی را به سطح هویت جمعی سوق می‌دهد. دین شاخصه مهم شناسایی گروه‌های مختلف از همدیگر است. ادیان با توسل به مراسم و مناسک و شعائر و همچنین نظام ارزشی به انسان‌ها و زندگی‌شان هویت می‌بخشند. در تحقیق حاضر بر آن بوده‌ایم که تعلقات و دلبستگی مذهبی پیروان فرقه‌ی اهل حق را در قالب مقولاتی بسنجیم. ابتدا از یافته‌های پرسشنامه شروع خواهیم کرد.

جدول (3) توزیع پاسخگویان بر حسب میزان هویت مذهبی

گزینه	میزان هویت مذهبی	فراوانی	درصد
بسیار زیاد	117	80/7	
متوسط	20	13/8	
کم	8	5/5	
جمع کل	145	100	

جدول بالا بیانگر میزان هویت مذهبی پیروان فرقه‌ی اهل حق می‌باشد. همانطور که ملاحظه می‌شود 80/7 درصد از پاسخگویان دارای تعلق و دلبستگی زیاد به هویت مذهبی خود هستند. 13/8 درصد نیز تا اندازه‌ی (متوسط) و 5/5 درصد نیز تعلق و دلبستگی ضعیف مذهبی دارند. از مجموع

درصدهای آماری و میانگین به دست آمده می‌توان دریافت که اکثریت پاسخگویان نسبت به فرهنگ مذهبی خود دل‌بستگی دارند و آن را مهم‌ترین شاخصه هویتی خود محسوب می‌کنند. نتایج تحلیل محتوای مصاحبه‌ها و مشاهدات محقق نیز، نتایج به دست آمده از تحلیل نهایی پرسشنامه را تأیید می‌کند. تحلیل مقوله‌های به کار رفته در پرسشنامه و مصاحبه برای نشان دادن میزان و کیفیت هویت مذهبی، حاکی از آن است که اکثریت پیروان فرقه‌ی اهل حق به مقوله‌های مطرح شده برای سنجش هویت مذهبی دل‌بستگی دارند مانند علاقمندی به اجرای مراسم و اعمال مذهبی در مقایسه با اعیاد اهل حق، اهمیت خانواده به مذهب و اخلاق مذهبی، اهمیت دادن به اعیاد مذهبی در مقایسه با اعیاد ملی، عدم ازدواج با غیر از مذهب خود، اهمیت سبیل یا شارب، مقوله‌هایی که در سنجش هویت مذهبی، دل‌بستگی چندانی از طرف پاسخگویان و مصاحبه‌شوندگان به آنها دیده نمی‌شد عبارت بودند از مطالعه کتب مذهبی و عدم مشارکت تجاری با غیر از مذهب خود بودند. که علت اصلی عدم مطالعه کتب مذهبی، بی‌سواد بودن پاسخگویان در خصوص مطالعه کتاب‌های مذهبی که به گویش اورامی نوشته شده‌اند، بوده است.

پاره‌ای از نظرات مصاحبه‌شوندگان درباره مقولات هویت مذهبی:

"مراسم و اعمال مذهبی جزء جدایی‌ناپذیر باورها و اعتقادات دینی ماست و بیش از هر چیز دیگری برای ما اهمیت دارند و تحت هیچ شرایطی انجام این‌گونه فرائض را ترک نمی‌کنیم و اگر این فرائض دینی، یعنی مراسم و اعمال مذهبی را ترک کنیم از دین خود خارج شده‌ایم و مورد بی‌اعتنایی و بی‌مهری سایر هم‌دینان خود قرار می‌گیریم."

"بسیاری از دوستان خانواده ما مذهب شیعه دارند، اما، با آنها روابط بسیار گرم و صمیمی داریم و ضمن حفظ روابط، هر کدام به مذهب و آداب و رسوم مذهبی خود پایبند هستیم و به آنها اهمیت می‌دهیم و در بسیاری موارد آنها در مراسم و عبادات مذهبی ما شرکت می‌جویند و ما به گرمی از آنها استقبال می‌کنیم. البته، این احترام متقابل است."

"خانواده‌ی ما تا اندازه‌ای به مذهب و فرامین مذهبی پایبند هستند، مخصوصاً پدر و مادرم بر انجام امور دینی خیلی تأکید می‌کنند."

"برگزاری اعیاد مذهبی مانند عید یاران از فرائض مذهبی ما محسوب می‌شود و در صورت انجام ندادن آن مرتکب گناه شده و مستوجب عذاب حضرت حق واقع خواهیم شد."

"من حاضر به ازدواج به غیر از مذهب خود نیستم زیرا، مذهب ما دارای اصول، عقاید و آداب و رسومی است که با ازدواج با غیر نمی‌توانم آنها را رعایت کنم".

سؤال سوم: میزان و کیفیت گرایش و تعلق خاطر به فرهنگ و نمادهای ملی چگونه است؟

جدول (4) توزیع پاسخگویان بر حسب میزان هویت ملی

درصد	فراوانی	میزان هویت ملی
		گزینه
53/1	77	بسیار زیاد
35/9	52	متوسط
11	16	کم
100	145	جمع کل

همانطور که در جدول بالا ملاحظه می‌کنیم از کل پاسخگویان مورد نظر 53/1 درصد دارای گرایش و تعلق بسیار زیادی به هویت ملی خود دارند و 35/9 درصد نیز گرایش و تعلق متوسط و 11 درصد نیز گرایش و تعلق کمی نسبت به هویت ملی خود دارند. از مجموع درصدهای آماری می‌توان به این نتیجه دست پیدا کرد که پاسخگویان به فرهنگ ملی خود دلبستگی دارند و آن را شاخص هویتی خود محسوب می‌نمایند. نتایج به دست آمده از تحلیل محتوای مصاحبه‌ها نیز نتایج به دست آمده از پرسشنامه را تایید می‌نماید. نتایج مصاحبه‌ها گویای آن است که اکثریت پیروان فرقه‌ی اهل حق، بیشتر مقوله‌های مطرح شده در هویت ملی دلبستگی دارند. مقوله‌های شامل: احترام به نمادهای ملی، علاقمندی به مطالعه تاریخ باستان و معاصر ایران، برگزاری اعیاد ملی، احساس ناراحتی در مقابل شکست‌های ملی، دیدن آثار و ابنیه تاریخی، خدمت و کمک به ساختن ایرانی آباد.

بخشی از نظرات مصاحبه شونده‌گان:

"عید ملی مانند عید نوروز را ما هر ساله برگزار می‌کنیم و آن را عید خود می‌دانیم و به آن افتخار می‌کنیم".

" به تیم‌های ملی علاقه فراوانی دارم مخصوصاً تیم ملی فوتبال و کشتی، در صورت شکست تا مدتی به شدت احساس ناراحتی می‌کنم."

" برای ساختن ایرانی آباد حاضر هستم در هر جای کشور خدمت کنم چون وظیفه انسانی‌ام ایجاب می‌کند که در این راه از خود گذشتگی نشان می‌دهم ولی در مقابل انتظار دارم که حقوق من نیز در کشور رعایت شود."

سؤال چهارم: پیروان فرقه اهل حق بر کدامیک از این هویت‌ها (هویت قومی، مذهبی و ملی) تأکید بیشتری دارند و آن را ملاک تمایز خود از سایر گروه‌ها می‌دانند؟

یافته‌های تحقیق با توجه به نتایج به دست آمده از سؤالات دوم، سوم و چهارم حاکی از آن است که هویت غالب در میان پیروان فرقه اهل حق، هویت مذهبی است، درصدهای آماری پرسشنامه، مصاحبه و مشاهدات محقق، گویای آن است که گرایشات مذهبی پیروان این فرقه بسیار بالاست و آنها تقریباً به تمام مقوله‌های مذهبی خود تعلق و دلبستگی دارند.

این گرایش و تعلق مذهبی به واسطه مقولاتی که در پرسشنامه و مصاحبه گنجانده شده و نیز و مشاهدات محقق سنجیده شده است مثلاً در خصوص اهمیت دادن به اعیاد مذهبی و ملی، تقریباً 91 درصد از پاسخگویان، به اعیاد مذهبی خود اهمیت بیشتری می‌دهند و اعلام می‌داشتند که در صورت اتفاق افتادن حوادث طبیعی و غیر طبیعی مثل: 'جنگ، قحطی، زلزله یا فوت یکی از بستگان، اعیاد مذهبی مانند: عید یاران را برگزار می‌کنیم ولی اعیاد ملی را برگزار نمی‌کنیم. یا در خصوص اولویت ازدواج، تقریباً 62 درصد از پاسخگویان، اهل حق بودن، برای آنها اهمیت بیشتری داشته تا قومیت، یعنی کرد بودن. محقق خود نیز با این واقعیت روبرو بود که در هنگام وقت گرفتن از پاسخگو جهت پرکردن پرسشنامه یا مصاحبه اولین سؤالاتی که از طرف آنها، شنیده می‌شد، این بود که آیا شما اهل حقید؟ در اکثر موارد چنانچه جواب منفی از محقق دریافت می‌کردند از صحبت طفره می‌رفتند یا سؤال پاسخی نمی‌یافت.

نتیجه گیری

نتایج تحقیق حاضر در پاسخ به سؤالات مطرح شده در ابتدای پژوهش سامان یافته است. به طور کلی هویت فرهنگی فرقه‌ای اهل حق از سه لایه هویت قومی، مذهبی و ملی تشکیل شده است. ولی هویت غالب در گروه مورد بررسی، هویت مذهبی می‌باشد این گرایش و تعلق مذهبی به واسطه مقولاتی که در پرسشنامه و مصاحبه گنجانده شده و نیز مشاهدات محقق سنجیده شده است.

در مجموع می‌توان گفت که هویت فرهنگی فرقه‌ی اهل حق، از سه لایه مذهبی، ملی و قومی تشکیل شده است. از ابتدای تحقیق گمان بر آن بود که هویت ملی، ضعیف‌ترین منبع هویتی فرقه‌ی اهل حق باشد ولی نکته قابل توجه این است که گرایشات قومی فرقه‌ی اهل حق تقریباً با گرایشات ملی آنها برابر است. هر چند هویت غالب فرقه‌ای اهل حق هویت مذهبی است، ولی این به معنای نفی دیگر هویت‌ها یعنی هویت قومی و ملی نیست. در واقع، این هویت‌ها در عرض همدیگر قرار گرفته‌اند نه در طول هم. بنابراین، "شخصیت بنیادین و پایه‌ای" فرقه‌ی اهل حق از مقولات هویت مذهبی، هویت ملی و هویت قومی تشکیل شده است که در آن نقش مقولات هویت مذهبی پررنگ‌تر است.

در پایان ذکر این نکته لازم است که، نظام سیاسی و به تبع آن نظام آموزشی با پذیرش دیدگاه کثرت‌گرایی فرهنگی در سطحی گسترده و پذیرش تعدد آراء و توجه به حقوق فرهنگی اقوام و اقلیت‌های ایرانی، ضمن حفظ استقلال سیاسی و اقتصادی می‌تواند ابزاری کارآمد در متعادل کردن وزنه‌های هویتی باشد و این سرآغازی خوشایند برای رشد و توسعه فراگیر ایران زمین خواهد بود. بنابراین، قبل از هر چیز شناسایی عناصر و اجزاء هویت فرهنگی اقوام و اقلیت‌ها لازم و ضروری به نظر می‌رسد.

منابع و مأخذ فارسی

1. آشوری، داریوش، 1374، ملیت و قومیت، مجله ایران فردا، شماره 18، تهران.
2. آقازاده، حسین، 1376، هویت جمعی: بررسی جامعه‌شناختی ابعاد هویت دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی، کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.
3. الطایی، علی، 1382، بحران هویت قومی در ایران، نشر شادگان، تهران.
4. القاصی، مجید، 1358، مجموعه آئین و اندرز و رمزبازی، انتشارات بیگوند، تهران.
5. اشرف، احمد، 1372، هویت ایرانی، مجله گفتگو، شماره 2، تهران.
6. احمدی، حمید، 1382، قومیت و قوم‌گرایی در ایران، نشر نی، تهران.
7. افروغ، عماد، 1378، هویت مذهبی و باورهای دینی ایرانیان، به اهتمام محسن فردرو و دیگران، کتاب باز، تهران.
8. افشار سیستانی، ایرج، 1371، کرمانشاهان و تمدن دیرینه‌ی آن، انتشارات زرین، تهران.
9. الهی، نورعلی، 1366، برهان الحق، انتشارات جیحون، تهران.
10. امینی، امیر، 1377، تحقیقی پیرامون زبان کردی، نشر هدف، تهران.
11. اوز کریملی، اوموت، 1383، نظریه‌های ناسیونالیسم، ترجمه محمدعلی قاسمی، نشر تمدن ایرانی، تهران.
12. بهرامی، ایرج، 1378، اسطوره اهل حق، نشر آینه، تهران.
13. پلتو، پرتی. ژ، 1375، روش تحقیق در انسان‌شناسی، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، انتشارات علمی، تهران.
14. توسلی، غلامعباس، 1371، ملیت، مذهب و تمدن ایرانی، ایران فردا، شماره 5 و 6، تهران.
15. جیحون آبادی، نعمت‌ا...، 1361، حق الحقایق یا شاهنامه حقیقت، به اهتمام دکتر محمد مکرری، انتشارات طهوری، تهران.
16. چلبی، مسعود، 1378، هویت‌های قومی و رابطه آن با هویت ملی، مؤسسه مطالعات ملی، تهران.
17. دیوپ، آتا، 1361، هویت فرهنگی، پیام یونسکو، شماره 149، تهران.
18. رفیع‌پور، فرامرز، 1375، جامعه احساس و موسیقی، شرکت سهامی انتشار، تهران.
19. روح‌الامینی، محمود، 1377، زمینه‌ی فرهنگ‌شناسی، انتشارات عطار، تهران.

20. شیخاوندی، داور، 1379، تکوین و تنفیذ هویت ایرانی، انتشارات باز، تهران.
21. طبیبی، حشمت ا...، 1347، اهل حق (چهارمقاله)، مجله وحید، سال هفتم، شماره‌های 9-12، تهران.
22. عالی‌نژاد، سیدخلیل، 1376، تنبور از دیرباز تاکنون، انتشارات دانش و فن، تهران.
23. عبداللهی، محمد، 1374، بحران هویت، هویت جمعی، دینامسیم و مکانیسم تحول آن در ایران، نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران، شماره اول، تهران.
24. فرخ‌نیا، رحیم، 1382، نظریه‌های مردم‌شناسی، نشر نویسنده، اراک.
25. فکوهی، ناصر، 1381، تاریخ اندیشه و نظریه‌های انسان‌شناسی، نشر نی، تهران.
26. فکوهی، ناصر، 1383، انسان‌شناسی شهری، نشر نی، تهران.
27. گاربارینو، مروین، 1377، نظریه‌های مردم‌شناسی، ترجمه عباس محمدی‌اصل، انتشارات آوای‌نور، تهران.
28. مارشال، کاترین و راس من. گرچن ب.، 1381، روش تحقیق کیفی، ترجمه دکتر علی پارسائیان و دکتر سید محمد اعرابی، ناشر دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران.
29. مجموعه مقالات، 1383، هویت در ایران، به اهتمام علی‌اکبر علیخانی، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی، تهران.
30. مشحون، حسن، 1350، موسیقی مذهبی ایران، انتشارات سازمان جشن هنر، شیراز.
31. موریس، برایان، 1383، مطالعات مردم‌شناسی دین، ترجمه سیدشرف‌الدین و محمدفولادی، نشر زلال کوثر، قم.
32. واخ، یواخیم، 1380، جامعه‌شناسی دین، ترجمه جمشیدآزادگان، انتشارات سمت، تهران.
33. وان برویین سن، مارتین، 1378، جامعه‌شناسی مردم‌کرد، ترجمه ابراهیم یونسی، نشر پانید، تهران.

منابع و مأخذ لاتین

Barth, F., 1969, *Ethnic Groups and Boundaries*, London: Allen and unwin.

- Brown, R., 1999, Social identity, In A.Kuper and j. Kupre (eds), London: Routledge.
- Elahi, B., 1993, The way of light, shaftesbury,...: Element.
- Erikson, E. 1999, National and Identities, London: Routledge.
- Geertz,C,1973, The Interpretation of Culture, selected. Essays, New York: Books.
- Hamilton, malcom. B., 1995, The sociology of Religion, London & New York: Routledge.
- Kuper, A. , 1996, Anthropology and anthropologists, New York: Routledge.
- Kuper, A., 1996, The Power of identity, Oxford: Blackwell.
- Minorsky, 1960, Ahli – Hakk, the Encyclopedia of Islam, Vol.11. London.
- Phinney, j.s., 1993, A three – stage moder of ethic Identity, state university of New York Press.
- Worchel,s., 1998, Social identity: International perspectives, London: sage.